



نگاهی به زندگی شهید مدرس / آیا مدرس مخالف جمهوریخواهی بود؟

مدرس کسی است که زندگی، اخلاق و رفتار انقلابی اش به همراه جهتگیری های سیاسی واجتماعی اش الگویی تام و تمام برای سیاستمداران و حق طلبان است.

خبرگزاری مهر- مدرس کسی است که زندگی، اخلاق و رفتار انقلابی اش به همراه جهتگیری های سیاسی واجتماعی اش الگویی تام و تمام برای سیاستمداران و حق طلبان است.

شهید سید حسن مدرس برحسب اسناد ومنابع تاریخی ازسادات طباطبایی زواره بوده که نسبش از سی ویک پشت به حضرت امام حسن مجتبی (ع) می رسد. وی در حلقه درس علمای بسیار شرکت داشته و باید گفت بیشترین نقش در تعلیم و تربیت وی منحصر به سید عبدالباقی می باشد؛ کسی که همواره به گفته خود مدرس او را در مسیر علم وتقوا هدایت می کرده است.

مدرس که به تحصیل دروس حوزوی اشتغال داشته است در حوزه ی علمیه ی اصفهان به فراگیری جامع المقدمات، علم صرف ونحو، ادبیات عرب، منطق و بیان مشغول گشته و پس از پایان تحصیلات در شعبان 1311 وارد نجف اشرف می شود و پس از بازگشت از نجف اصفهان را برای اقامت برمی گزیند. هنگامی که به تهران می آید از همان ابتدا به تدریس در مدرسه ی سپهسالار مشغول می شود وشبیه ی بیان تدریس او به دلیل تفاوت های شگرف با دیگر معلمان باعث می گردد تا کلاس های درس او بسیار شلوغ شده وآوازه ی وی به گوش همگان برسد. هنگامی که احمد شاه از حسن شهرت مدرس مطلع می شود طی حکمی سرپرستی وتولیت مدرسه ی سپهسالار را به او واگذار می کند.

گرچه مدرس صاحب تالیفات وآثار پژوهشی بسیاری است، اما بی شک نام وی با مجلس وحضور در عرصه ی سیاست گره خورده است. اولین روزی که سید حسن مدرس به مجلس شورای ملی گام نهاد زمان محمد علی فروغی در سال 1328 قمری بود. مدرس در آن دوره به عنوان یکی از پنج مجتهد ی که می بایست بر قوانین مجلس نظارت داشته باشد پا به مجلس می گذارد وبه همراه سید ابوالحسن اصفهانی، شیخ باقر همدانی، نورالله همدانی و....برقوانین مصوب در مجلس نظارت می کند.

از جمله موارد ننگینی که منجر به واکنش مدرس وتلاش او برای انحلال آن می شود اولتیماتوم دولت روس به هم دستی دولت انگلیس بود که طی آن خواهان اخراج شوستر می گردند. در این بین مدرس وخیابانی به مخالفت با این اولتیماتوم پرداخته ومردم به تبعیت از این دو روحانی به تظاهرات می پردازند ومجلس موفق نمی شود تا تصمیمی در این باب اتخاذ کند.

نمونه ی دیگر از شهامت مدرس مخالفت او با قرارداد استعماری وثوق الدوله می باشد. مدرس در خصوص خطرهای این قرارداد اظهار داشت روح این قرارداد استقلال مالی ونظامی ایران را از بین خواهد برد وچیزی جز ننگ وشکست نصیب ملت نخواهد کرد. به همین جهت با رهبری مبارزان مجلس بزرگترین قدرت استعماری زمان یعنی انگلیس به زانو در آمده وشکست می خورد.

از جمله حوادث دیگر که مدرس بسیار با آن مبارزه کرد مصادف با مجلس چهارم بود در این زمان رضاخان در مقام وزارت جنگ تصمیم گرفت تا امور نظمیه، بودجه وقوای نظامی را تحت انقیاد خود قرار دهد. شهید مدرس نیز بدون آنکه هراسی به خود راه دهد مبارزه با رضاخان را آغاز کرده ودر یکی از جلسات دوره چهارم مجلس نطقی علیه رضاخان ایراد می کند ودر آن نطق به وضوح چهره پلید رضاخان را برای مردم افشا می کند.

مدرس در جریان جمهوریخواهی که رضاخان در پی استقرار آن بود نیز به مخالفت می پردازد گرچه بسیاری از مورخان و وقایع نگاران تاریخ معاصر به جهت همین یک موضع مدرس او را مخالف با جمهوری ودموکراسی دانسته اند اما وی نه تنها مخالف با جمهوری نبوده بلکه سعی کرد تا همگان را متوجه این نکته کند که جمهوری که رضاخان درصدد تثبیت آن است؛ آن چیزی است که منافع انگلیس را تامین می کند وقدرت را بیشتر در انحصار رضاخان قرار می دهد.

رضاخان هنگامی که مشاهده کرد سوءقصد به جان مدرس در پل ذهاب وقصر شیرین ناموفق بوده اقدام به تبعید مدرس کرد وبا جعل نامه ای برضد او در 16مهر 1307 مدرس را دستگیر کردند وبه خواف تبعیدش نمود.

هنگامی که مدرس در خواف اقامت داشت رضاشاه شخصی را به جانب مدرس روانه کرد تا به او چنین بگوید "یا دست از سیاست بردارد یا یکی از دو کار را قبول کند تولیت آستان قدس را بپذیرد ویا به عتبات عالیات برود ودرس بگوید". مدرس نمی پذیرد ومی

گوید من وظیفه خود می دانم که بمانم و به کارخویش بپردازم. این پاسخ خشم رضاشاه را برانگیخته و پس از 9 سال اسارت او را از خواف به کاشمر تبعید می کنند. سپس به فردی به نام مستوفیان شهربان کاشمر دستور می دهند تا مدرس را به قتل برساند مستوفیان به همراه ناظم جهان سوز و حبیب الله خلج به نزد مدرس آمده و با خفه کردن مدرس در 10 آذر 1316 او را به شهادت می رسانند.

روند زندگانی و سیر مبارزاتی مدرس به خوبی نشان می دهد که او در سراسر عمر خویش تمام تلاش خود را در جهت اعتلای اسلام به کار گرفته و در جهت نشر حقایق اسلام کوشیده است. هیچ گاه از ظلم و جور رضاشاهی هراسی نداشته و تنها فکر او تلاش برای عظمت ایران بوده است.